گاهشمار زندگی و آثار ناپیل

قلیچ خانی، محمد رضا

فولادی تالاری، خیام

1Lویدیادهار سوراجپراسد نایپل در سال 1932 در شهر کوچکی‏ در ترینیداد،در خانواده‏ای از تبار برهمنان هند به دنیا آمد.پدر او،سیپرسد نایپل،گزارشگر روزنامهء«ترینیداد گاردین»بود و داستان کوتاه هم می‏نوشت.خانواده نایپل به هنگامی که او شش ساله بود به پایتخت ترینیداد نقل مکان کرد.سیپرسد نایپل بدون آن‏که شاهد موفقیتهای پسرش در نویسندگی‏ باشد در سال 1953 بر اثر حمله قلبی دار فانی را وداع گفت. پدرش مشوق او در نویسندگی بود و در نامه‏ای به او نوشته‏ بود:«از هنرمند بودن نهراس.دی.اچ.لارنس هنرمندی‏ تمام عیار بود؛و درهرصورت عجالتا،باید همانند او بیندیشی. فراموش نکن که او چه می‏گفت:«هنر برای خاطر خودم». وی.اس.نایپل نخستین رمان خود را دره جده سالگی نوشت‏ که هیچ ناشری آن را نپذیرفت.

نایپل در کالج کویینز رویال در پایتخت ترینیداد،پرت‏ آواسپین،درس خواند و در 1950 از آکسفورد بورسیه تحصیلی‏ گرفت.نایپل د ر1949،پس از گرفتن چند عکس‏ برای ثبت‏نام در دانشگاه برای خواهر بزرگترش نوشت:«اصلا فکر نمی‏کردم‏ که صورتم این‏قدر تپل باشد.عکسم‏ که این‏جوری می‏گوید.به ستون‏ آسیایی روزنامه نگاه کردم وپیش‏ خودم گفتم که هیچ هندی‏ای‏ نمی‏تواند به اندازه من هندی به‏ نظر بیاید...می‏خواستم عکسی‏ با ژست خیره‏کنندهء روشنفکر مابانه‏ برای دست‏اندکاران دانشگاه‏ بفرستم اما ببین بندگان خدا چی‏ گیرشان آمد!»پس از ناکامی‏ اسکن‏ سامرست موآم

2Lو اختلال روانی اقدام به خودکشی کرد که خوشبختانه گاز ته‏ کشید.زمانی که در آکسفورد بود با پاتریشا هیل آشنا شد و در 1955 با او ازدواج کرد.پاتریشا در 1966 دار فانی را وداع‏ گفت و نایپل با نادره علوی،روزنامه‏نگار مطلّقهء پاکستانی، ازدواج کرد.پس‏از فارغ التحصیلی حرفه نویسندگی را به‏طور آزاد شروع کرد.در خلال همین دوره بود که احساس بی‏ریشگی‏ به نایپل دست داد،اما در اواسط دهه 1950 توانست با پرداختتن‏ به پیشینه ترینیدادی خود قدرت نویسندگی‏اش را بازیابد و به‏ منصه ظهور برساند.نایپل از 1954 تا 1956 گویندهء بخش‏ کاراییب رادیو بی.بی.سی بود و در خلال سالهای 1957 تا 1961 معرفی و مرور ادبیات داستانی نشریهء«نیواستیتمن»را برعهده داشت/

نایپل نخستین کتاب‏های خود را در اواخر دهه 1950 منتشر کرد.«خیابان میگل»که در 1959 منتشر شد وداعی است با پایتخت ترینیداد.بوگارت که نامش از فیلم«کازابلانکا» اقتباس شده،بی.وردزورث که اشعارش را به چهار سنت‏ می‏فروشد و من،که ناکش حاکی از مردم عادی‏ کوچه و بازار خیابان میگل است،از شخصیتهای‏ جالب توجه این کتاب هستند.راوی پسری‏ است که کم‏کم بزرگ می‏شود،خودش‏ خرجش را درمی‏آورد و سرانجام برای‏ تحصیل به خارج می‏رود:«همه آنها را ترک کردم و بدون آن‏که نگاهی به‏ پشت‏سر بیندازم،مثل برق به سمت‏ هواپیما رفتم.فقط به سایه پیش روی‏ خودم،به کوتوله رقصان بر آسفالت‏ فروددگاه،نگاه می‏کردم.»

«خانه‏ای برای آقای بیسواس»در 1961 منتشر شد که حالا آن را شاهکار نایپل می‏دانند و داستان‏ تراژدی-کمدی برهمنی هندی را بازمی‏گوید که حین اقامت‏ در ترینیداد در جستجوی استقلال و هویت خویش است. موهان بیسواس شخصیت اصلی داستان تا حدودی براساس‏ شخصیت پدر نویسنده آفریده شده است.نایپل درمورد این‏ شخصیت و پدرش گفته است:«پدرم از لحاظ آدم‏ ژرف‏اندیشی بود و زخمهای او عمیقتر از آن بودند که دیگران‏ قادر به درکش باشند.بیسواس را براساس شخصیت پدرم‏ ساخته‏ام،اما نه دقیقا.»بیسواس از همان لحظه تولد آدم‏ بدشانسی است،اما همه آنچه که او می‏خواهد خانه‏ای است‏ که به خود او تعلق داشته باشد؛خانه شالوده و تکیه‏گاه هستی‏ و موجودیت اوست.داستان،که کمدی اجتماعی وو اوضاع‏ رقت‏انگیز را درهم می‏آمیزد،تلاش و کوشش قهرمان را در مشاغل گوناگون،از نقاشی علائم گرفته تا روزنامه‏نگاری،و ازجمله در رسیدن به توفیق نهایی به تصویر می‏کشد.نایپل‏ مدتها بعد نیز به سراغ پدرش می‏رود و کتاب«بین پدر و پسر:نامه‏های خانوادگی»رادر سال 1999 منتشر می‏کند که‏ حاوی مکاتبات اوایل دهه 1950 او و پدرش است/

نایپل در 1961 برای سفر به کاراییب،کمک هزینه‏ای از دولت ترینیداد دریافت می‏کند.سوغات او از این دورهء طولانی‏ مسافرت در دهه 1960 و اوایل 1970 به هند،امریکای‏ جنوبی،افریقا،ایران،پاکستان،مالزی و ایالت متحده امریکا، نوشته‏ها و کتاب‏های معتددی است که«هند:تمدن مجروح» ازآن‏جمله‏اند.«در خم رود»رمان بدبینانه‏ای درباره افریقاست‏ که از فساد و تباهی انسان حکایت می‏کند.داستان در مکانی‏ بسیار شبیه به زئیر یا اوگاندا رخ می‏دهد.سلیم،راوی داستان، مسلمانی از تبار بازرگانان هندی است و اجدادش صدها سال‏ در افریقا زیسته‏اند.سلیم دکانی در شهری واقع در پیچ رودخانه‏ دست‏وپا می‏کند و کارش رونق می‏گیرد،اما در کشوری که‏ فردی مستبد برآن حاکم است،خود را سالار و صاحب جان‏ و مال مردم می‏داند،نمی‏توان به چیزی دل‏خوش داشت و به آینده امیدوار بود.بازهم قهرمان نایپل‏ فردی خارجی است که درمی‏یابد این‏ شیوه زندگی به بن‏بست رسیده‏ است و سرانجام باید همه چیز را واگذارد..فردیناند،دوست سلیم، موقعی که سلیم را از زندان‏ نجات می‏دهد می‏گوید: «سرزمین وحشی به حیات خود ادامه می‏دهد،اما جایی نیست‏ که بتوان به آن پناه برد.» «سرزمین وحشی»استعاره‏ای‏ است که نایپل برای اشاره به‏ آن کشور و کل جهان‏ اسکن‏ جوزوف کنراد

2Lسوم به‏کار می‏برد.ناییپل گفته است که«افریقا هیچ فرهنگی‏ ندارد.»درک الکوت،شاعر و برننده جایزه نوبل ادبی 1992، گفته است:«نایپل کاکا سیاه‏ها را دوست ندارد.»

نایپل از 19550 در بریتانیا زندگی کرده اما بیشتر در سفر بوده است.مقالات و سفرنامه‏های او اغلب نگاهی منفی‏بافانه‏ دارند و تحقیقات او درمورد جامعه هند غربی مثل«گذرگاه‏ میانه»غیراحساساتی‏اند:«درگذشته تسمه فولادی برترین‏ مظهر فرهنگ ساکنان هند عربی تلقی می‏شد،ولی از صدای‏ آن بیزار بودم.»نایپل در کتاب«در میان مؤمنان؛سسفری به‏ کشورهای اسلامی»که خوانندگان مسلمان،آن را به داشتن‏ نگاهی محدود و مغرضانه به اسلام متهم کردند،به دنبال‏ سرچشمه‏های جدیدی برای اسلام-و خشم و غضب‏ مسلکی.«ایلام خشم و غضب را مقدس شمرده‏است.خشم‏ و غضب درمورد ایمان،خشم و غضب سیاسی:این‏دو فرقی‏ با هم ندارند و درجه اهمیتشان یکی است.و من دراین سفر بارها با اشخاص حساسی روبه‏رو شدم که حاضر بودند درصورت‏ لزوم آتش به‏پا کنند.»(از کتاب در میان مؤمنان)

جدیدترین سفرنامه نایپل،یعنی«فراسوی ایمان»،همچون‏ «در میان مومنان؛سفری به کشورهای اسلامی»تصاویری‏ دقیق از سفرهای او به کشورهای اسلامی غیرعرب مثل‏ اندونزی،ایران،پاکستان و مالزی به‏دست می‏دهد.نایپل‏ تلاش می‏کند تا شور و حرارت بنیادگرایان را درک کند،یعنی‏ همان تصویری را غربی‏ها از آنان ترسیم کرده‏اند.

در رمان شبه زندگی‏نامهء خود نوشته‏اش،یعنی«معمای‏ رسیدن»نایپل نویسنده‏ای کاراییبی الاصل را به تصویر می‏کشد، نویسده‏ای که پس‏از سالها سرگردانی با آمدن به سرزمینش، انگلستان خوشحال است؛سالهای که در طول آن دنیا دیگر برایش اقامتگاه محسوب نمی‏شد.درونمایه اصلی آثار نایپل‏ تأثیر مخرب امپریالیسم بر ملتهای جهان سوم است،که‏ نمونه‏هایش الیناسیون فرهنگی و آزادی واهی است.او را از لحاظ نویسندگی با جوزف کنراد مقایسه کردن‏اند.هردو نویسنده، تصویرهای بدیانهء مشابهی از سرشت انسان و نیز درونکایه‏های‏ مربوط به تبعید و الیناسیون را در آثار خود تصویر کرده‏اند:«وحشی‏گری در هند بسیار شدید است زیرا صبغهء دینی دارد.»در مقاله‏ «تاریکی کنراد»نایپل منطقه خانوادگی‏اش‏ را که در آن رشد کرده یکی از نقاط تاریک کنرادی در روی زمین می‏داند.

در دهه 1990 نایپل بیشتر به نوشتن‏ مطالب ادبی غیرداستانی پرداخت.در 1994 رمان«راهی در جهان»را که سالها نوشتنش طول کشید به چاپ رساند. رمانی که در اصل زندگی‏نامهء خودنوشت‏ و تاریخ استعمار در قالب داستان است و شامل داستانهایی از عصر سرو الترر الی تا قرن‏ نوزدهم و دورهء فرانسیسکو میراندای انقلابی‏ است.در«نصف زندگی»(2001)قهرمان‏ داستان ویلی سامرست چاندران متولد دهه‏ 19330 هند است.نام تعمیدی این شخصیت‏ را از نویسنده انگلیسی،سامرست‏موام، گرفته است که پدر نایپل را دیده بود.ویلی‏ به لندن نقل مکان می‏کند،در مجامع‏ هنرمندان سنت‏شکن پرسه می‏زند،کتاب‏ منتشر می‏کند،با آنا ازدواج می‏کند،زنی‏ که افریقایی الاصل دورگه است،با او به‏ افریقا می‏رود،به ملک خانوادگی آنا.ویلی‏ نمی‏تواند با خودش کنار بیاید زیرا پسر برهمنی است که با«آدم نجسی»ازدواج‏ کرده است.پدرش شورش‏ای است که‏ در نهایت دیرنشین می‏شود.ویلی علیه گذشته خانوادگی و خواسته‏های پدرش می‏شورد.در سرزمین مادری همسرش‏ که نظام استعمار در حال فروپاشی است،ویلی نیز تماشاچی‏ است و بیگانه تلقی می‏شود.بعد از هجده سال تصمیم به‏ جدایی می‏گیرد و با اینکار،هویت واقعی‏اش را به دست‏ می‏آورد.او نصفه نیمه زیسته است،یعنی حیاتی ناقص داشته؛ ولی نایپل نمی‏گوید که بریر او چه خواهد آمد.جستجوی‏ ویلی برای حیات ادامه می‏یابد و بقیه ماجرای ویلی ناگفته‏ اسکن‏ 2Lمی‏ماند.

پل تروکس،نویسندهء امریکایی،چند دهه دوستی‏اش را با نایپل در«شبح سر ویدیا»به تصویر می‏کشد.کتابی پر از خشم‏ و کینه‏جویی.تروکس پیش‏تر نایپل را استاد خود معرفی کرده بود،ولی دوستی‏شان‏ به جدایی انجامید و تروکس با حرفهای تند و نیشدارش بر این جدایی مهر تایید زد. هرچند عظمت نایپل را در مقام نویسنده‏ منکر نشد:«گرچه گفته‏ام که نایپل شخصا گوشت تلخ،ناخن خشک و عیبجو است ولی‏ آثار او را باارزش می‏دانم.او همچون کنراد، نویسنده‏ای جدی و آگاه است؛همه‏ نوشته‏هایش پرمعنی است و تک‏تک واژه‏ها را با آگاهی انتخاب می‏کند.»نایپل جوایز ادبی زیادی گرفته است که در آن میان می‏توان به جایزهء بوکر برای«در کشوری آزاد»اشاره کرد.در 1989 لقب«سر»را گرفت و در سال 1993 نخستین جایزهء دیوید کوهن ویژه ادبیات‏ بریتانا را به مناسبت این‏که نویسندهء بریتانیایی زنده‏ای است‏ که یک عمر فعال بوده و آثار خوبی آفریده،دریافت کرد. دست‏نوشته‏ها و اسناد و مدارک مفصل نایپل در دانشگاه تولسا نگهداری می‏شود.

آثار برگزیده نایپل

غیرداستانی

(1962)-گذرگاه میانه

(1964)-و منطقه تاریکی

(1972)-محله‏های کارگری

(1977)-هند:تمدن مجروح

(1980)-خاطرات کنگو

(1980)-بازگشت اواپرون

(1981)-درمیان مؤمنان؛سفری به کشورهای اسلامی

(1984)-یافتن نقطه مرکزی

(1989)-گردشی در جنوب

(19900)-هند:اکنون یک میلیون شورشی

(1992)-بی‏خانمان خود خواسته

(1994)-بمبئی

(1998)-فراسوی ایمان

(1999)-بین پدر و پسر؛نامه‏های خانوادگی

داستانی

(1957)-مشت و مال‏چی عارف

(1958)-انتخابات الویرا

(1959)-خیابن میگل

(1961)-خانه‏ای برای آقای بیسواس

(1963)-آقای استون و همراه شو الیه

(1967)-پرچمی برفراز جزیره

(1967)-مردان مقلد

(1969)-گم شدن الدورادو

(1971)-در کشوری آزاد

(1975)-چریک‏ها

(1979)-در خم رود

(1984)-یافتن نقطه مرکزی

(1987)-معمای رسیدن

(1994)-راهی در جهان

(2001)-نصف زندگی

گردآوری و ترجمه:محمد رضا قلیچ‏خانی-خیام فولادی تالاری